



بی تردید، سال ۱۳۲۴ شمسی به علت پیدایش مسائل و بحرانهای سیاسی داخلی و خارجی، مهمترین مقطع دوره اشغال ایران توسط متفقین در جنگ جهانی دوم و یکی از مهمترین فرازهای تاریخ سیاسی معاصر ایران است. با ظهور شکست قطعی نیروهای محور در سال ۱۳۲۳، متفقین خود را برای پس از جنگ آماده کردند. آمریکا، انگلیس و شوروی هر یک برای دستیابی هر چه بیشتر مناطق تحت نفوذ، نقشه‌هایی طرح کردند. در ایران نیز، از آغاز سال ۱۳۲۴، درگیری میان احزاب و گروههای سیاسی با یکدیگر، نشانگر سالی پرتلاطم و بسیار حساس بود. در غوغای درگیری میان احزاب، هر یک از گروهها و جریانهای

مطبوعات ایران در دوره اشغال

(بخش چهارم)

مسعود کوهستانی نژاد

پیشنهادها



پیشنهادهایی به شرح زیر ارائه کردند:

۱. رفع توقیف فوری جراید، بدون استثناء.
۲. صدور فرمان فوری به کارگزاران حکومت نظامی مبنی بر اینکه از این پس، مطلقاً در کار جراید مداخله نکنند و ارجاع کار جراید با دادگستری باشد.
۳. الغای حکومت نظامی در صورت امکان.
۴. تشکیل کمیسیون پنج نفری (دو نفر از مطبوعات، دو نفر از قضات، و یک نفر از وزراء) برای رسیدگی به مندرجات جراید درباره مسائل مربوط به سیاست خارجی که مورد اعتراض همسایگان واقع می شود و اتخاذ تصمیم بایسته در این زمینه.

عدم پاسخ مساعد دولت به خواستهای یادشده، واکنش شدیدی را از سوی مطبوعات در پی داشت. پس از نشستی که مدیران جراید در روزنامه رعد امروز (که از جناح راست گسسته و به مطبوعات چپگرا پیوسته بود) داشتند، به عنوان مخالفت با نحوه برخورد دولت، قطعنامه ای منتشر کردند.^۱ مفاد آن قطعنامه به شرح زیر است:

نظر به مخالفت و موافقتی که وجود فرمانداری نظامی به اصول قانون آزادی و اساسی دارد، امضا کنندگان ذیل در جلسه ۶ تیر ۱۳۲۴ تصمیم گرفتند مدامی که دولتها، حکومت نظامی را الغا نمایند، نه تنها از هر نوع معاضدت با آن دولتها خودداری می نمایند بلکه با تمام قوا بر علیه این نوع دولتها که طرفدار اصول زورگویی و استبداد می باشند مخالفت می نمایند.

بنابراین، اولاً: الغاء فوری حکومت نظامی را خواستاریم.

ثانیاً: محاکمه مدیران جراید موافق قانون اساسی با حضور هیئت منصفه به عمل آید.

[امضاء شماری از مدیران جراید]
متعاقب این قطعنامه، یکی از نمایندگان (ناصرقلی اردلان) در نشست ۲۸ تیر مجلس، موارد یادشده را به گونه ای دیگر مطرح کرد و سپس پیشنهاد خود را چنین بیان داشت:

اول اینکه به هر کسی اجازه بدهید که هر روزنامه و نشریه ای که می خواهد، منتشر کند - دیگر اینکه دادگاه ویژه مطبوعات

درست شود - موضوع دیگر این است که باید مطبوعات دفاتر پلمپ شده ثبتی داشته باشند که بشود عایدات آنها را فوراً بررسی کرد...^۲

در پاسخ به قطعنامه مطبوعات و نیز سخنان نماینده یادشده، صدرا لاشراف طی سخنانی نحوه برخورد دولت با مطبوعات را تشریح کرد. او گفت:

... بنده از روز اولی که مشغول کارشدم برای اجرای قانون، سه نفر از اشخاص چیزفهم و مطلع که قادر به نویسندگی هم باشند و بتوانند مقالات روزنامه ها را به خوبی تشخیص دهند برای نظارت بر مطبوعات انتخاب کردم. بنده از وزارت کشور و وزارت امور خارجه و وزارت دادگستری از هر وزارتخانه یک نفر را برای این منظور انتخاب کردم که در فرمانداری نظامی، مقالات مطبوعات را مورد توجه قرار بدهند. البته نه اینکه رأی بدهند، بلکه نظارت کنند بدون اینکه قادر باشند عملی انجام دهند؛ اما در خصوص توقیف جراید که به وسیله فرمانداری نظامی انجام می شود، مطابق اختیارات و حقوق قانونی که دارد، این کار را می کند. در توقیفهای حالا مدت معین می شود. مثلاً یک ماه یا دو ماه و بعد از آن مدت هم مرخص می شوند و بنده امری در خصوص توقیف یا رفع توقیف نمی دهم...^۳

مدیران جراید (عموماً چپگرا) که نتیجه ای از صدور قطعنامه ۸ تیر به دست نیاورده بودند، در واکنشی دیگر نسبت به اقدامات دولت، تلگرافی به شورای وزیران خارجه در لندن فرستادند. متن تلگراف به این شرح است:

لسدن - شورای وزیران امور خارجه -
رونوشت بوین - مولوتف - بیرنس [وزیران خارجه انگلیس، شوروی و آمریکا]
روزنامه تایمز، روزنامه دیلی هرالد
امضاء کنندگان ذیل، مدیران جراید مختلف المسلك تهران در این موقعی که کنفرانس وزیران امور خارجه تشکیل می گردد و مسائل مربوط به ایران مطرح خواهد شد، خاطر آن جانب را مستحضر

سیاسی در اندیشه ترسیم آینده ای روشن و مطمئن در معادلات سیاسی ایران بودند و در همین راستا قدرتهای خارجی نیز با تقویت برخی از گروههای سیاسی، در صدد یافتن جای پای محکمی برای داشتن نقشی هر چه روشتر در تحولات آینده ایران برآمدند.

این بحرانهای دوران اشغال متفقین تأثیر مهمی بر روند کار مطبوعات گذاشت. به دلیل مشغله های خاصی که نمایندگان مجلس در سال ۱۳۲۴ داشتند، توجه چندانی به مطبوعات و وضعیت آنان نشان نمی دادند. مهمترین واکنش نمایندگان مجلس در برابر وضعیت مطبوعات، دیدار شماری از آنان با صدرا لاشراف (خرداد ۱۳۲۴) بود. طی این دیدار، مدیران جراید

می‌دارد که به علت ادامهٔ اوضاع حکومت دیکتاتوری در ایران به دست همان عمالی که بیست‌سال مملکت را غارت و با آلمان نازی و ایتالیای فاشیست همکاری نمودند و ملت ایران همیشه از آنان بیزار بوده است، باز امروز به زور سرنیزه مخالف تعهد صریح مندرج در منشور ملل مستفق آزادی قلم و اجتماع و عقیده را از مردم سلب و روزنامه‌ها را توقیف و مدیران جراید را بازداشت می‌نمایند. رژیم امروزهٔ ایران که برای بقای خود به محو آزادی و دموکراسی علیه رشد ملی و استحقاق سیاسی ما مبادرت نموده برخلاف اراده ملت ایران تحمیل گردیده و ما به نام افکار عمومی ایران به این اوضاع، شدیداً اعتراض و رسماً اعلام می‌داریم که آزادی قلم و اجتماع و امنیت جهانی برای ما مطلقاً موجود نیست و روش استبداد و ترور و مداخله مقامات غیرمسئول در جریان امور کشور که ۲۰ سال متداول بوده، امروزه همچنان ادامه دارد. علاوه بر اینکه مقتضی بود نفرت ملت ایران را از وضع فعلی خود که هنوز اسیر جیره‌خواران فاشیست می‌باشد به استحضار شورای وزیران امور خارجه برسانیم. لازم دانستیم در این موقع حساس به وسیلهٔ این تلگراف ذهن آن جناب را راجع به اوضاع حقیقی ایران که آثاری از دموکراسی و آزادی در آن یافت نمی‌گردد روشن بشود.^۴

[امضاء شماری از مدیران جراید تهران]

اما این اقدام در میان پاره‌ای از مدیران جراید واکنش منفی در پی داشت. آنان با استناد به اوضاع بحرانی کشور با محکوم کردن اقدام یادشده، در بیانیه‌ای اعلام کردند:

در یکی دو روزنامه صورت تلگرافاتی که به عنوان کنفرانس وزرای خارجه دول مستفق به لندن مخابره گردیده ملاحظه شد. جامعهٔ مطبوعات از این تلگراف که مناسب شأن و حیثیت ملت ایران نمی‌باشد، اظهار انزجار نموده و عدم اطلاع خود را بدین وسیله اعلام می‌دارد و علاوه می‌نماید که مخابرهٔ این گونه تلگرافها در چنین موقعی که قوای متفقین مشغول تخلیه می‌باشند



دولت با آگاهی از دودستگی و کشمکش میان مدیران جراید، همان روش پیشین را ادامه داد و نسبت به توقیف مطبوعات مخالف دولت، بی‌هیچ ملاحظه‌ای اقدام کرد؛ به گونه‌ای که در روزهای آغازین مهرماه، حدود سی نشریه توقیف شدند.^۶ به هرحال، تلگراف شورای مؤتلفهٔ مطبوعات، آخرین واکنش مدیران جراید نسبت به اقدامات دولت تا پایان سال ۱۳۲۴ بود و اوجگیری بحران سیاسی ایران، مانع توجه دولت و مجلس نسبت به وضعیت مطبوعات شد. در این زمان،

منافی حفظ مصالح عالیه کشور و ملت ایران می‌باشد. در خاتمه ضرورت دارد از نسبت‌های ناروایی که در آن تلگراف به ملت و دولت ایران وعده داده شده، ابراز انزجار نماییم. اکثریت مدیران جراید بدین وسیله مراتب مندرج در تلگراف مذکور را تکذیب و به جهانیان اعلام می‌دارند که ملت ایران واجد همه‌گونه رشد سیاسی بوده و به دخالت بیگانگان در امور داخلی خود نیازی نداشته و با هرگونه اعمال نفوذ کشورهای دیگر در امور ایران، شدیداً مخالف می‌باشند.^۵

دولت در ارتباط با مطبوعات، مبادرت به تأیید و تصویب مجدد آییننامه اجرایی دی‌ماه ۱۳۲۱ قانون مطبوعات و نیز تصویب یک قانون جامع مطبوعاتی کرد که در گیرودار بحرانهای سیاسی، وضع این قانون بازتاب خاصی نیافت و در برابر آن، مطبوعات واکنش خاصی نشان ندادند. همچنین، در سخنرانی قوام‌السلطنه در ۲۳ بهمن‌ماه، با وجود آنکه آزادی اجتماعات سیاسی و لغو آن بخش از قوانین و مقررات فرمانداری نظامی، اعلام شد؛ ولی مطبوعات همچنان تحت مقررات قانون حکومت نظامی قرار داشتند.

با پایان یافتن سال ۱۳۲۴، مقطع زمانی چاپ سلسله مقاله‌ها «مطبوعات ایران در دوره اشغال متفقین» نیز به پایان می‌رسد. در پایان این پژوهش، نظری نیز بر ویژگی‌های کلی و عوامل گوناگونی که بر روند شکل‌گیری مطبوعات در این دوره تأثیر داشتند، می‌افکنیم. مهمترین این عوامل را می‌توان به ترتیب زیر برشمرد:

۱. گسترش فضای بازسیاسی: در پی ورود سربازان انگلیس و روس به ایران و تبعید رضاشاه در شهریور ۱۳۲۰، اقتدار و اختناق دولتی از بین رفت و فضای باز سیاسی در ایران پدید آمد که تا چند سال پس از آن هم ادامه داشت. این موضوع، سبب آزادی نیروها و توانمندیهای فکری کسانی شد که به مدت طولانی در زمان حکومت رضاشاه، نمی‌توانستند اندیشه‌های خود را بازگو کنند. آزادی عقیده و مشارکت مردم در اظهار نظر پیرامون مسائل گوناگون داخلی و خارجی، مهمترین علت ایجاد وضعیت خاص مطبوعات در دوره سالهای ۱۳۲۰-۲۴ بود. مدیران و دست‌اندرکاران جراید با مشاهده استقبال مردم از مندرجات جراید، تلاش بیشتری را برای گسترش مطبوعات مبدول داشتند. در نتیجه، در آن دوره مطبوعات ایران گسترش بی‌سابقه‌ای یافت.

۲. حکومت: در فاصله سالهای ۱۳۲۰-۲۴ فشار حکومت برای رویارویی با

مطبوعات (نسبت به دوره رضاشاه) به شدت کاهش یافت و حتی در بیشتر مواقع، مجلس شورای ملی به عنوان یکی از پشتیبانان اصلی رواج مطبوعات به شمار می‌آمد. از سوی دیگر، دولت نیز قدرتی نداشت که بتواند با مطبوعات درگیر شود. به استثناء اقدام قوام‌السلطنه در توقیف عمومی جراید در رویداد ۱۷ آذر ۱۳۲۱ (که سرانجام سبب فروپاشی دولت شد) دولت، هیچ‌گاه به طور گسترده با مطبوعات درگیر نشد. در حال، دیدگاههای دولت و کارکردهای فرمانداری نظامی مانع مهمی بر سر راه آزادی فعالیت مطبوعات نبودند؛ بویژه آنکه در این میان، نمایندگان مجلس نیز از آزادی مطبوعات پشتیبانی می‌کردند.

۳. گسترش فعالیت‌های احزاب و گروه‌های سیاسی: پیشرفت فعالیت‌های احزاب در سالهای ۲۴-۱۳۲۰ تأثیر مستقیمی بر فعالیت مطبوعات در ایران گذاشت؛ از جمله، چاپ روزنامه‌های گوناگون از سوی احزاب و گروه‌های سیاسی، فراگیر شدن مباحث سیاسی و موضع‌گیری‌های احزاب در مطبوعات تأثیر گذاشتند.

۴. حضور نیروهای متفقین و اتباع خارجی در ایران: حضور نیروهای خارجی در ایران، تأثیرات مهم و چندسویه‌ای بر گسترش فعالیت مطبوعات در سالهای ۲۴-۱۳۲۰ داشت. حضور این نیروها از سویی سبب محدودیت دولت ایران در اعمال فشار بر جراید و مطبوعات و از سویی دیگر نیز حمایت متفقین از پاره‌ای جراید، سبب تقویت آنها می‌شد. افزون بر آن، حضور خارجی‌ان در ایران (از جمله لهستانیها، اتباع اروپای شرقی، فرانسویان) و چاپ نشریه‌هایی به زبان اصلی از سوی سفارتخانه‌های خارجی مقیم ایران سبب افزایش مناسبات فرهنگی میان خارجی‌ان و ایرانیان می‌شد. این موضوع، تأثیر مستقیمی بر افزایش دانش مطبوعاتی و جریده‌نگاری در ایران داشت. وجود موارد یادشده، در مجموع به پیدایش دوره ویژه‌ای در تاریخ مطبوعات ایران انجامید.

در این دوره، مطبوعات به زمینه‌های گوناگون از جمله هنر، تاریخ، علوم انسانی، سیاست و گزارش‌هایی درباره وضعیت زندگی مردم و... می‌پرداختند. علاوه بر این، انتقادهای بسیاری نیز در مورد خط مشی جراید منتشر می‌شد که نمونه‌ای از این گونه نوشته‌ها که در اواخر سال ۱۳۲۴ به چاپ رسیده در زیر نقل می‌شود:

... امروزه، متأسفانه جزء اعظم مطبوعات ما نه فقط زشت و بی‌مصرف است، بلکه از بسیاری جهات زیان‌آور و مخرب است. در میان این مطبوعات زیان‌آور، یک طبقه آنها هستند که دانسته یا ندانسته ناشر افکار مسموم بیگانگانند و هر روز به یک شکل و با یک لحن، مقدسات ملی ما را مورد استهزاء و سخریه قرار می‌دهند و اساس ملیت ما را که بر پایه زبان و ادبیات و آثار تاریخی و آداب قومی ما مبتنی است، ضعیف می‌کنند... طبقه دیگر، مطبوعاتی است که به دست یک مشت نویسنده هرزه قلم یا پول‌پرست اداره می‌شود و عمل ایشان مستقیماً حمله به عفت عمومی است...^۷

با وجود تمامی دشواریهای یادشده، شمار فراوانی از مقاله‌ها، مطالب و گزارش‌های منتشر شده در جراید و مطبوعات آن دوره، بخشی از گنجینه فرهنگی جامعه ما را تشکیل می‌دهد که بررسی محتوایی و کیفی آنها به نوبه خود از اهمیت فراوانی برخوردار است.

پایان

پی‌نوئیسها:

۱. روزنامه «عبر»، سال ۳، ش ۵۹۳ (هشتم تیر ۱۳۲۴): ۱.

۲. روزنامه اطلاعات، سال ۲۰، ش ۵۸۱۲ (۲۸ تیر

۱۳۲۴): ۱.

۳. همان: ۱.

۴. روزنامه روستا، [به جای رهبر]، ش ۵۶ (۲۳

شهریور ۱۳۲۴): ۱.

۵. روزنامه اطلاعات، سال ۲۰، ش ۵۸۶۰ (۲۷ شهریور

۱۳۲۴): ۱.

۶. روزنامه اطلاعات، سال ۲۰، ش ۵۸۶۶ (۳ مهر

۱۳۲۴): ۱.

۷. مجله یادگار، سال ۲، ش ۵ (دی‌ماه ۱۳۲۴): ۱.